

تفسیر سورہ

نصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿ ۲ ﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي

دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿ ۳ ﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

هنگامی که نصرت الهی فرا رسید. مردم را دیدی که دسته دسته در دین خدا وارد می‌شوند. پس باید سپاسگزارانه پروردگارت را تنزیه کنی و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است.

نکته‌ها:

- عموم مفسرین، این سوره را مربوط به زمان فتح مکه در سال هشتم هجری می‌دانند که گروهی از مردم به خاطر حقانیت اسلام، ایمان آوردند و بعضی از ترس به اسلام تظاهر کردند، نظیر ابوسفیان که امام علی علیه السلام درباره آنان فرمود: «ما اسلموا ولكن استسلموا و اسروا الكفر»^(۱) آنان در ظاهر مسلمان شدند ولی در دل کافر ماندند. در قرآن برای ایمان دو نوع دخول آمده است: یکی دخول مردم در دین که در این سوره می‌فرماید: ﴿يدخلون في دين الله﴾ و دیگری دخول ایمان در دل مردم که در سوره حجرات می‌فرماید: ﴿ولما يدخل الايمان في قلوبكم﴾^(۲) هنوز دین داخل قلب‌های شما نشده است.
- در حدیث می‌خوانیم: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کنند، مردم دنیا فوج فوج به او ایمان می‌آورند.^(۳)

۱. بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۲۵.

۲. حجرات، ۱۴.

۳. تفسیر نور الثقلین.

- قرآن به تسیح خداوند، بیش از تکبیر و تحمید سفارش کرده است. واژه تسیح در قرآن بیش از واژه‌های تکبیر و تحمید آمده است.
- در حدیث می‌خوانیم: هنگام فتح مکه، پیامبر اکرم ﷺ ابتدا وارد مسجد الحرام شد و نماز گزارد.^(۱)
- نصرت خداوند، منوط به یاری مردم از دین اوست. «ان تنصروا الله ینصرکم»^(۲)
- کلمه «تَوَّابٌ» یازده بار در قرآن آمده است که نه بار همراه با واژه رحمت «تَوَّاباً رَحِماً»، یکبار همراه با حکمت^(۳) و یک بار به طور مطلق در این سوره آمده است.
- پیامبر اکرم ﷺ بعد از فتح مکه، عفو عمومی اعلام کردند و همه را بخشیدند و مکه بدون خونریزی فتح شد. حتی هنگامی که حضرت دید سعد بن عبادة شعار انتقام می‌دهد و می‌گوید «الیوم یوم الملاحمة» یعنی امروز تلافی می‌کنیم، حضرت پرچم را از او گرفت و به دست حضرت علی ؑ داد و فرمود: شعار را عوض کنید و بگویید: «الیوم یوم المرحمة» امروز روز رحمت است نه انتقام.
- فتح و نصرت واقعی از جانب خداست، پس به ابزار و تجهیزات و نیروی انسانی تکیه نکنید که ممکن است همه امکانات باشد ولی باز هم شکست بخورید. «و ما النَّصْرُ الاَّ من عند الله»^(۴)
- در فتح مکه، امید بت‌پرستان به یأس و مرکز شرک به پایگاه توحید تبدیل شد. موانعی که بر سر راه مؤمنان بود، برچیده شد، اسلام تثبیت گشت و برای صدور به کشورهای دیگر آماده شد.
- فرمان استغفار یا برای نورانیت بیشتر قلب است یا برای زدودن غرور پیروزی یا برای گناهان اُمت و یا به خاطر معرفت بالای حضرت نسبت به خداوند است.

۱. تفسیر کنزالذقاییق.

۲. محمد، ۷.

۳. نساء، ۱۷.

۴. آل عمران، ۱۲۶.

نگاهی گذرا به فتح مکه

بعد از صلح حدیبیه، چون مشرکان پیمان شکنی کردند، پیامبر نیرویی فراهم و مکه را بدون خونریزی فتح کرد. مسلمانان در چند کیلومتری مکه اردو زدند و ابوسفیان که شبانه برای سرکشی از مکه خارج شده بود با عباس عمومی پیغمبر ملاقاتی داشت. عباس گفت: پیامبر با ده هزار سرباز به سراغ شما آمده است. ابوسفیان ترسید و به عباس پناهنده شد و پیامبر امان دادن عباس را پذیرفت. پیامبر فرمود: هر کس به مسجد الحرام پناه ببرد یا به خانه ابوسفیان برود یا در خانه خود بماند، در امان است.

پیامبر به عباس فرمود: ابوسفیان را در تنگه‌ای که گذرگاه مکه هست ببر تا لشگریان الهی که از آنجا می‌گذرند، او ببینند. ابوسفیان با دیدن این مانور وحشت کرد و به عباس گفت: سلطنت فرزند برادرت بسیار عظیم شده است، عباس گفت: سلطنت نیست بلکه نبوت است. سپس عباس به او گفت: به سراغ مردم مکه برو و آنها را از مقابله با لشگر اسلام بازدار.

ابوسفیان وارد مسجدالحرام شد و به مردم گفت: محمد با جمعیتی وارد مکه می‌شود که توان مقابله با او را ندارید، پس به مسجد الحرام یا خانه من یا خانه خود پناهنده شوید و اسلام بیاورید تا سالم بمانید.

به هر حال پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد مکه شد و به یاد روزی که از مکه مخفیانه خارج شد و به شکرانه این پیروزی سجده کرد. سپس پیامبر با تلاوت سوره فتح وارد مسجد الحرام شد و مسلمانان همراه آن حضرت تکبیر می‌گفتند. حضرت نزدیک کعبه آمد و بت‌ها را می‌شکست و می‌فرمود: ﴿جاء الحق و زهق الباطل انّ الباطل كان زهوقاً﴾^(۱) از آنجا که دست حضرت به بت‌های بزرگ بالای کعبه نمی‌رسید، به حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ دستور داد تا پا بر دوش پیامبر نهد و بت‌ها را سرنگون کند. سپس حلقه کعبه را گرفت و از مردم مکه پرسید: شما امروز چه انتظاری از من دارید؟ گفتند: بخشش. اشک در چشم حضرت جمع

شد و مردم گریه کردند. حضرت سخن یوسف را که به برادرانش فرمود: ﴿لا تثریب علیکم الیوم﴾^(۱) امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست، به زبان آورد و فرمود: همه آزادید. آنگاه جملات «لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده نصر عبده...» را خواند و فرمود: هیچ کس از خون‌های ریخته شده و اموال غارت شده گذشته سخنی نگوید و تمام پرونده‌های گذشته مختومه و همه مشمول عفو عمومی شدید، پس وارد زندگی نوین شوید.

پیام‌ها:

- ۱- پیروزی در سایه نصرت الهی است. ﴿اذا جاء نصر الله و الفتح﴾
- ۲- نابودی سران کفر و شرک، زمینه برای ورود مردم به توحید و یکتاپرستی است. ﴿اذا جاء نصر الله... الناس یدخلون فی دین الله﴾
- ۳- مسلمانان وظیفه دارند در حدّ توان و امکان خود تلاش کنند تا زمینه ورود دیگران به اسلام فراهم شود. ﴿اذا جاء نصر الله... الناس یدخلون فی دین الله﴾
- ۴- اگر موانع برطرف شود، مردم گروه گروه ایمان می‌آورند. ﴿یدخلون فی دین الله افواجا﴾
- ۵- تا قبل از فتح مکه مردم یکی یکی مسلمان می‌شدند، ولی بعد از فتح مکه، گروه گروه. ﴿یدخلون فی دین الله افواجا﴾
- ۶- فتح و پیروزی شما را مغرور نسازد که هرچه هست از خداست. ﴿اذا جاء نصر الله... فسیح بحمد ربک﴾
- ۷- تنزیه خداوند از عیب و نقص و ظلم، باید همراه با سپاس از نعمت‌ها و ستایش او باشد. ﴿فسیح بحمد ربک﴾
- ۸- سپاس و ستایش و تسبیح خداوند، مقدمه استغفار و آمرزش طلبی است. ﴿فسیح بحمد و استغفره﴾
- ۹- صالحان که به قدرت می‌رسند به جای غرور و غفلت، جان و روح خود را با

۱. یوسف، ۹۲.

یاد خدا معطر می‌کنند. «اذا جاء نصر الله... فسیح بحمد ربك»

۱۰- خداوند منزّه است از اینکه یاران دینش را تنها بگذارد. «اذا جاء نصر الله...

فسیح»

۱۱- هر کس، حتی پیامبر، هر قدر هم تسبیح و تحمید کند، در پایان آن استغفار

کند. «واستغفره»

۱۲- توبه پذیری سنت خداوند است. «انه كان تواباً»

«والحمد لله رب العالمين»